



تاکید مکتب اسلام بر استحکام و پایداری نظام خانواده

استحکام و پایداری خانواده از نظر اسلام آن قدر مهم است که پروردگار عالم در قرآن کریم برای پیشگیری از فروپاشی کانون آن به زن و شوهر می فرماید که از بخشی از حقوق شرعی و قانونی خود بگذرید.

استحکام و پایداری خانواده از نظر اسلام آن قدر مهم است که پروردگار عالم در قرآن کریم برای پیشگیری از فروپاشی کانون آن به زن و شوهر می فرماید که از بخشی از حقوق شرعی و قانونی خود بگذرید.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین جعفر آریانی محقق پژوهشگاه علوم و حیانی معارج بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء، در مقاله ای با عنوان «پایداری خانواده بر پایه اندیشه حضرت آیت الله العظمی جواد آملی» به آموزه های قرآنی و معارف اهل بیت (ع) درباره پیوند زناشویی و زمینه ها و عوامل پایداری آن پرداخته است.

وی در بخشی از مقاله خود با بیان تأکید مکتب اسلام بر استحکام و پایداری نظام خانواده، آورده است: استحکام و پایداری خانواده از نظر اسلام آن قدر مهم است که پروردگار عالم در قرآن کریم برای پیشگیری از فروپاشی کانون آن به زن و شوهر می فرماید که از بخشی از حقوق شرعی و قانونی خود بگذرید.

وی شناخت جایگاه زن و مرد در نظام هستی، ملاک های درست انتخاب همسر، حق اختیار و انتخاب همسر و هم کفو بودن دختر و پسر را از عوامل پایداری خانواده بیان کرده است. در ادامه می توانید متن کامل مقاله «پایداری خانواده با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله العظمی جواد آملی» را مشاهده نمایید.

درآمد

مکتب اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را بر پایه نظامی جامع در راستای کمال و تأمین اهدافی مقدس می بیند و برای استحکام و پایداری آن برنامه معرفتی، عاطفی و عملی ارائه می کند و جایگاه و وظایف اعضای خانواده را با این ویژگی تعیین می نماید. از دیدگاه قرآن خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش بشری است (روم/۲۱؛ اعراف/۱۸۹) که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به شمار آمده و موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید (تحریم/۶). (جواد آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

قرآن کریم عقد ازدواج را پیمانی بسیار محکم و پایدار می داند: وَ كَيْفَ تَأْخُذُوهُ وَ قَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ أَحْتَنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء/۲۱). خود واژه میثاق به معنای پیمان محکم است و صفت غلظت درجه استحکام آن را بیشتر می کند. (جواد آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۱۹۵-۲۰۰). ظاهراً تنها آیه ای که در قرآن کریم از پیمان میان افراد (زن و شوهر) سخن رفته، همین آیه است. از این رو، برخی از فقیهان (کرکی، ۱۴۱۴: ۱۲/۸-۱۱) درباره عقد نکاح، شبهه عبادی بودن آنرا مطرح کرده و گفته اند که عقد نکاح، مانند عقد بیع و اجاره یک معامله محض نیست؛ بلکه پیوند و پیمان دو روح با یکدیگر است و به همین جهت قداست پیدا کرده است. پیامبر اعظم (ص) فرمود: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُخْرِجَ نِصْفَ دِينِهِ؛ هرکس ازدواج کند، نصف دینش را به دست آورده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۱۸). این روایت جهت ملکوتی بودن ازدواج را گوش زد می کند؛ یعنی در امر ازدواج، هویت مرد برای زن و هویت زن برای مرد، هویتی دینی است نه غریزی و آمیزش حیوانی. (جواد آملی، ۱۳۸۶: ۲/۴۲۸).

از نگاه اسلام حس همسرخواهی و غریزه جنسی به منزله مزد تحمل زحمات و مشکلات تشکیل و اداره خانواده در نهاد انسان قرار داده شده است؛ نه هدف و غایت آن. تأمین هزینه زندگی و تربیت فرزندان کاری بسیار دشوار است و انسان به آسانی زیر بار آن نمی رود و از این رو، خدای سبحان او را به گونه ای آفریده که از سویی از تنهایی رنج ببرد و از سویی دیگر باید به غریزه جنسی پاسخ دهد و از نکاح لذت ببرد تا زمینه تشکیل خانواده و بقای نسل فراهم شود. چنان که در انگیزه غذا خوردن نیز هدف از تغذیه حفظ جان انسان است نه پرخوری. به دست آوردن غذای حلال زحمت دارد و از این رو، خدای سبحان برای تحمل آن؛ هم رنج گرسنگی را در دستگاه گوارش انسان قرارداد و هم لذت غذا خوردن را در فضای کامش گذارد تا غذا را تهیه و تناول کند و جان او حفظ شود. (جواد آملی، ۱۳۹۰: تفسیر سوره نور، جلسه بیستم).

ناگفته نماند که در آموزه های دینی؛ آرامش روحی و روانی (روم/۲۱)، برآوردن نیازهای مادی و معنوی (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۲۷۶/۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۶/۲۳۷)، بقای نسل و تربیت فرزندان صالح (بقره/۲۲۳؛ بقره/۱۱۰؛ مزل/۲۰)، هم پوشانی و رازداری (بقره/۱۸۷؛ اعراف/۲۶)؛ (جواد آملی، ۱۳۸۷: ۹/۴۵۹) و حفظ دین، به عنوان هدف و آثار ازدواج و تشکیل خانواده بیان

شده است (راوندي، ۱۳۷۷: ۱۲؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۳؛ شعيري، ۱۳۶۳: ۱۰۱؛ مجلسي، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۱۰۰). (جوادى آملی، ۱۳۸۹: ۳۳۹).

مقاله پيش رو که تحت عنوان «پايداري خانواده با تأکيد بر اندیشه حضرت آية الله العظمی علامه جوادى آملی» فراهم آمده، سرشار از آموزه‌هاي قرآني و معارف اهل بيت (ع) درباره پيوند زناشويي و زمينه‌ها و عوامل پايداري آن است و اميد مي‌رود که مطالعه و به کارگيري مطالب آن، جامعه امروز و آينده ما را به سوي بهره‌مندی از خانواده‌هاي پايدار و متعالي رهنمون سازد؛ به گونه‌اي که در آن شاهد تعالي، رشد و بالندگي روزافزون باشيم، نه گسست و فروپاشي اسفبار زندگي‌ها.

زمينه ها و عوامل پايداري خانواده

استحکام و پايداري خانواده از نظر اسلام آن قدر مهم است که پروردگار عالم در قرآن کریم براي پيشگيري از فروپاشي کانون آن به زن و شوهر مي فرمايد که از بخشي از حقوق شرعي و قانوني خود بگذريد: (وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا ثُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ) (و اگر زني از ناسازگاري يا رويگرداني شوهرش بيم داشته باشد، بر آن دو ناروا نيست که [با گذشت از بخشي از حقوقشان] ميان خودشان صلح و سازش برقرار کنند و سازش بهتر [از جدائي] است (نساء/۱۲۸). (جوادى آملی، ۱۳۸۹: ۶۰/۲۱).

اگر انسان مطابق فطرتش رفتار کند، از نظام خانوادگي استواري برخوردار خواهد شد؛ اما آلودگي به گناهان سبب مي‌شود که ندای فطرت نتواند او را به حق راهنمايي کند. بهترين راه براي پايداري خانواده، بازگشت به دستورات الاهي است؛ زيرا خدای حکيم و مهربان انسان را از ظلمت‌ها و گمراهي‌ها به نور فطرت باز مي‌گرداند: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (بقره/۲۵۷). انسان با اعمال عبادي و ارتباط با خدا، ياد او را در دل زنده و فطرت خويش را بيدار مي‌کند و با انجام فرامين الاهي زندگي‌اش را پاک و طيب مي‌سازد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (انفال/۲۴). (جوادى آملی، ۱۳۷۸: ۱۴۹). با توجه به اين مقدمه کوتاه، زمينه ها و عواملی که پيش از ازدواج و پس از آن در پايداري و تعالي خانواده مؤثرند، در حد گنجایش مقاله در دو فصل بيان مي‌شود.

فصل نخست: زمينه هاي پايداري خانواده

پايداری و تعالي خانواده با زمينه هاي معرفتي و عاطفي تحقق مي‌يابد که لازم است پيش از ازدواج به آن‌ها توجه جدي شود. عمده‌ترين آن‌ها با تکیه بر آیات و روايات در ذيل مي‌آيد:

۱ - شناخت جایگاه زن و مرد در نظام هستي

زن و مرد به ميزان شناخت جایگاه خودشان در نظام هستي، با يکديگر ارتباط و تعامل شايسته‌اي برقرار مي‌کنند. از نگاه آفريدگار، مردان امتيازي بر زنان ندارند؛ بلکه آنچه موجب گرمي‌شدن انسان نزد خدا مي‌شود، تقواي اوست؛ خواه زن باشد و خواه مرد: (إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (حجرات/۱۳). پاداش زن و مرد نزد خدای سبحان بدون تفاوت محفوظ است: (أَنِّي لَأَظُنُّكَ عَمَلٌ مِّمَّنْ مَّكْرَمٍ ذَكَرُوا أَوْ أُنْثَىٰ) (آل عمران/۱۹۱-۱۹۵). خدای سبحان در بهره‌وري از نعمت‌هاي الاهي ميان زن و مرد فرقي بيان نکرده است: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً) (نحل/۹۷).

در تفکر مغرب زمين به انسان به ديده مادي مي‌نگرند و زن و مرد را دو نوع از حقيقت انسان مي‌دانند؛ ولي بر پايه تعاليم اسلام حقيقت انسان غير مادي است و زن و مرد دو صنف از انسان هستند که از نظر ويژگي‌هاي جسماني و رواني با يکديگر تفاوت دارند، نه از لحاظ حقيقي و ماهوي و از اين رو، در اسلام براي هر يک حقوق متناسب و سزاواري قرار داده شده است و تفاوت در حقوق، سبب فضيلت و برتري هيچ‌يک از اين دو صنف بر ديگري نيست؛ بلکه مشابه بودن زن و مرد در حقوق، ظلم آشکار و بر خلاف عدالت است.

آري، مسئوليت‌هايي؛ مانند نبوت و رسالت که از کارهاي اجرائي به حساب مي‌آيند، به مردان سپرده شده است؛ ولي پشتوانه رسالت و نبوت، ولايت است و در وليّ الله شدن، مردان بر زنان امتيازي ندارند، چنان‌که حضرت زهراي مرضيه (ص) از بسياري از انبيا برتر است. نيز امر قضاوت و مرجعيت که از امور اجرائي است و مستلزم ارتباط مستمر با مردم است، به مردان واگذار شده است؛ اما در اصل فقيه شدن و اجتهاد، مرد بر زن برتري ندارد. (جوادى آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۷/۱۱-۲۷۴).

شناخت و درک اين مسئله (تساوي مردان و زنان در فضيلت انساني) سبب مي‌شود که زن و شوهر به حقوق متفاوت يکديگر احترام بگذارند و از توانايي‌هاي هم نهايت استفاده را ببرند و از رشد و بالندگي زندگي و استحکام خانواده بهره‌مند شوند.

۲ - انتخاب ملاکدار

پیش از ازدواج لازم است ملاک‌های درست انتخاب همسر و همراه مناسب شناسایی شود و پس از آن، راه و روش اعتدالی و صحیح را بدون گرفتاری به افراط و تفریط و وسواس در پیش گیرد و همسر خود را انتخاب کند. دین اسلام در این باره، معیارهای همه جانبه‌ای را برای گزینش همسر ارائه نموده است؛ از جمله: ایمان، تقوا و پرهیزکاری (بقره/۲۲۱-۲۲۳)، اصالت و نجابت (اعراف/۵۸). رسول خدا(ص) مردم را از ازدواج با «خضراءالدمن» بر حذر داشت. از آن حضرت پرسیده شد: منظور از «خضراءالدمن» چیست؟ فرمود: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَثَلِ السَّوْءِ؛ [۱] زن زیبا در رویشگاه بد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۳۳۲). (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

۳ - ازدواج اختیاری

پایداری پیوند ازدواج به اختیاری بودن آن وابسته است. در قرآن کریم می‌فرماید: (هُنَّ لِيَاْسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاْسُ لَهُنَّ) (بقره/۱۸۷). خدای سبحان همان‌گونه که زن را لباس مرد نامید، مرد را نیز لباس و پوشش زن دانست و با این بیان افزون بر آن که مساوات زن و مرد در بهره‌مندی از مزایای زندگی مشترک را تأیید کرد، حق اختیار و انتخاب را نیز برای هر دو قائل شد؛ چراکه زمانی پوشش دو سویه شکل می‌گیرد که زن و مرد از روی اختیار و با توجه به علایق و رغبت‌های خویش دست به انتخاب همسر زده باشند و از پذیرش همسری تحمیلی پرهیز کنند؛ چراکه ازدواج‌های تحمیلی یا شبه‌تحمیلی هم برای خود زوجین مشکل‌آفرین است و هم آرامش خانواده‌های آن‌ها را سلب خواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹/۴۵۹-۴۶۲).

پیش از اختیار همسر لازم است درباره او شناختی کافی به دست آید که بخش قابل توجه آن با گفت‌وگوی مستقیم و حضوری، با هماهنگی خانواده‌های دختر و پسر حاصل می‌شود. در قرآن کریم در باره خواستگاری به (خِطْبَةِ النِّسَاءِ) (بقره/۲۳۵) تعبیر کرده است. کلمه خِطْبَة به معنای گفت‌وگوی حضوری است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۱/۴۱۴). پرسش‌های جلسه گفت‌وگو می‌تواند بر پایه این محورها باشد: أ. اعتقادی و اخلاقی؛ ب. ثبات فکری، احساسی، انعطاف‌پذیری، صفات شخصی و روانی؛ ج. تقسیم وظایف و نقش زن و مرد؛ د. اقتصاد خانواده و میزان استقلال یا وابستگی؛ ه. مسئولیت‌پذیری و انجام وظایف؛ و. دوستان و خانواده؛ ز. برنامه تفریح و سرگرمی و ارتباطات درون خانواده.

۴ - کفو و هم‌تایی

کفو بودن دختر و پسر که به معنای هم‌سانی و هم‌سویی است، از نظر اسلام در پایداری خانواده اهمیت بسیاری دارد. قرآن کریم درباره لزوم رعایت این معیار مهم می‌فرماید: (الْحَبِیْثَاتُ لِلْحَبِیْثِیْنَ وَالْحَبِیْثُونَ لِلْحَبِیْثَاتِ وَالطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ وَالطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبَاتِ) (زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند) (نور/۲۶).

اسلام بیشتر بر محور هم‌شان بودن در ایمان، اخلاق و ارزش‌های معنوی تکیه می‌کند و هم‌شانی در امور دیگر؛ مانند زیبایی، علم، ثروت، موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی را به عنوان معیار اصلی به شمار نمی‌آورد؛ بلکه آن‌ها را نسبی می‌داند. خدای سبحان می‌فرماید: وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ یَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُكُمْ مِنْ فُتَاتِکُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِیْمَانِکُمْ) (نساء/۲۵). آیه شریفه ایمان را معیار اصلی هم‌تایی بیان کرده است که راه ثابت شدن آن چگونگی روش ظاهر شخص است و لازم نیست که به اسرار و درون یکدیگر آگاه شوند؛ زیرا فقط خداوند از باطن‌ها با خبر است. (جمله) وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِیْمَانِکُمْ (هشدار و تأکید می‌کند که ایمان را کم‌ارزش نشمارید. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۳۶۹).

فصل دوم: عوامل پایداری خانواده

۱ - وظیفه شناسی اعضای خانواده

پس از پیوند زناشویی، اجتماع کوچکی تحت عنوان خانواده شکل می‌گیرد که دست‌کم مرکب از زن، شوهر و فرزند است. شناخت و آگاهی هر یک از اعضای آن نسبت به وظیفه و نقشی که در شاکله و شالوده زندگی مشترک دارند، از عوامل مهم پایداری خانواده است.

أ. نقش زن در نظام خانواده

بر پایه نظام اجتماعی اسلام، مبنای جامعه، خانواده و محور خانواده، زن است. خانواده مرهون تجلی روح مادر است؛ چون اساس خانواده بر پیوند و مودت است و این وظیفه به زن سپرده شده است. با وجود این‌که مرد عهده‌دار امور اجرایی و اداری

خانواده است و خانواده نیز، به دلیل زندگی مادی، ناگزیر از امور مالی و اداری است؛ اما این نهاد کوچک اجتماعی بی‌مودت و محبت، حتی در بهترین وضعیت اجرایی، سامان نمی‌یابد؛ چراکه فاقد محور اصلی و هسته مرکزی است.

رحم که بخشی از وجود زن است، نقطه مشترک خانواده در پیوند عاطفی است. کسانی که از یک رحم متولد شده‌اند، وابستگی شدیدتری به یکدیگر دارند و بر همین اساس است که به صله رحم فراوان امر شده و بر پایه آن، حقوقی برای ارحام شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که امام سجاد A می‌فرماید: حقوق رحم تو بسیار و به اندازه پیوند در قرابت است، پس واجب‌ترین آن‌ها بر تو ابتدا حق مادرت سپس حق پدرت سپس حق فرزندان سپس حق برادرت سپس به ترتیب نزدیک‌ترین آن‌هاست (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۵۵).

نقش رحم در پیوند انسان، فقط در نسب خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در روابط سببی (ازدواج) نیز، فرزندی که از یک زن متولد می‌شود، خانواده را به مراتب بیش از علقه ازدواج به هم پیوند می‌دهد. فرزند یک زن، نقطه مشترکی است برای دو خانواده که قابل فسخ و طلاق نیست. رضاع (شیردادن) زن نیز یکی دیگر از محورهای علقه و محرمیت میان انسان‌هاست. دو کودک که از دو پدر و مادر متولد شده‌اند؛ اگر از یک زن دیگر شیر بنوشند، علقه برادری و خواهری میانشان بسته می‌شود و محرمیت را به دنبال می‌آورد. رضاع هم از قابلیت‌ها و ویژگی‌های زن است؛ زیرا در این روابط، محور زن است که به شیوه‌های مختلف یک خانواده را دور خود جمع می‌کند و جامعه نیز به وسیله خانواده‌ها شکل می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸).

بنابراین، خانه قلمرو حکومت زن است. این زن است که با تدبیر و عاطفه، مودت و رحمت را در خانه نهادینه می‌کند و همه اهل خانه را به گرد خود می‌آورد. به همین خاطر اگر مرد خانه بمیرد، مادر کانون خانواده و بچه‌ها را به خوبی نگه می‌دارد؛ اما معمولاً مردان پس از مرگ همسرشان نمی‌توانند خلأ نبود زن خانه را پر کنند و از این رو، به ازدواج مجدد نیازمند می‌شوند تا زن دیگری این نقش را ایفا کند. بنابراین، برای زن در خانواده می‌توان دو نقش اساسی را یاد کرد:

یک. رسالت همسری

اسلام بزرگترین وظیفه زن را همسررداری نیکو می‌داند و از آن به عنوان جهاد یاد می‌کند: *جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ*؛ جهاد زن نیکو شوهررداری است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۴۳۹/۳). پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرمود: زن حق خدای سبحان را ادا نمی‌کند، مگر زمانی که حق همسرش را ادا نماید (نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۷/۱۴).

امر به شوهررداری زن به علت مصالحی بوده است که اثر مثبت آن در بقای خانواده و کارهای اجتماعی مرد ظاهر می‌شود. مردی که با فعالیت‌های اجتماعی در کارخانه‌ها، اداره‌ها، محیط‌های کشاورزی، مذهبی و فرهنگی، درصدد است تا نیازهای خانواده و اجتماع را پاسخ گوید، افزون بر داشتن نیروی پیکری و اندیشه‌ای بلند، نیازمند آرامش روحی، تشویق و محبت لازم است. محلی که این نیازمندی‌ها را برطرف می‌سازد، کانون گرم خانواده و قرار گرفتن در کنار همسری مهربان، صمیمی و صالح است. رسول خدا (ص) در حدیثی ارزشمند می‌فرماید: هیچ مرد مسلمانی پس از اسلام فایده‌ای نبرده است که برتر از زن مسلمانی باشد که چون به او بنگرد، شاد شود و چون او را دستوری دهد، فرمان برد و چون در کنار او نباشد، خودش و مال شوهرش را حفظ کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۵). امام صادق ۷ به نقل از رسول خدا ۹ می‌فرماید: از خوش‌بختی مرد، داشتن همسری صالح و شایسته است (همان). (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۵۵/۱۸؛ ۵۵۷/۵).

دو. رسالت مادری

یکی دیگر از بهترین جلوه‌های زن در خانواده نقش مادری اوست که نتیجه‌اش تربیت فرزندان شایسته است و هیچ کاری هم‌تای آن نیست و از این رو، مورد تمجید قرآن کریم قرار گرفته است: *وَصَيَّرْنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَ فُصِّلَتْ فِي غَامِينَ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لَوْلَايَكَ إِلَهِي الْمَصِيرُ* (لقمان/۱۴). در این آیه پس از گرامی‌داشت مقام پدر و مادر، جداگانه از رنج مادر یاد می‌کند؛ ولی از پدر و وظایف او مانند تأمین هزینه‌های زندگی خانواده سخنی نیست.

حضرت موسی (ع) برادرش هارون را با تعبیر: *يَا بَنَ أُمِّ* (ای پسر مادرم!) (طه/۹۴) خطاب می‌کند و از عناوین دیگری مثل برادر یاد نمی‌کند و شاید نکته‌اش در این باشد که غضب و خشم موسای کلیم (ع) مظهر غضب خدای سبحان بود و این غضب الهی را رحمت ویژه الهی فرو می‌نشاند و در نتیجه یاد مادری که رحمت ویژه الهی است، می‌تواند غضب موسی (ع) را فرو نشاند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۷۴/۱۸ و ۱۶۸/۷: ۱۳۸۵). در روایات نیز اهتمام ویژه‌ای به سهم مادر و تمجید از مقام او شده است تا آنجا که رسول خدا (ص) بهشت را زیر پای مادران می‌داند: *الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ* (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳۱/۸).

ب. نقش مرد در نظام خانواده

ایفای نقش زن به تنهایی نمی‌تواند سعادت خانواده را به همراه داشته باشد؛ چراکه بخشی از بسترسازی جهت ایجاد خانواده اسلامی منوط به انجام وظایفی از طرف مرد خانه است.

یک. مدیریت خانواده

در امور اجرایی باید یک مدیر معینی انتخاب شود؛ زیرا با فکرها و نظرهای گوناگون کارها سامان نمی‌پذیرد. پیامبر اعظم(ص) می‌فرماید: هرگاه سه نفر با هم مسافرت کردید، یک نفر را از میان خود به امیری و ریاست برگزینید(فیض کاشانی، ۵۸/۴:۱۳۸۳). اسلام با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی زن و مرد و تفاوت‌های میان آن دو، کارها را تقسیم کرده و مدیریت خانواده را به مرد سپرده است.

قرآن کریم در دو آیه: لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (بقره/۲۲۸) و الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (نساء/۳۴)، اصالت مدیریت را بر عهده مرد می‌داند. در آیه دوم واژه قَوَّام گویای اهمیت موضوع قیومیت شوهر بر همسر است؛ زیرا هرگاه کار غیر مهم باشد، می‌گویند: «به آن قیام کنید» و اگر مهم و حساس باشد، دستور می‌دهند: «به آن قَوَّام باشید». (جوادی آملی، ۳۸۸/۲۱:۱۳۸۹).

با توجه به سیاق دو آیه که به جای الفاظی؛ مانند بعول(شوهران) یا ازواج(همسران) از لفظ رجال(مردان) استفاده شده، روشن می‌شود که شوهر بودن به تنهایی شرط کافی برای مدیریت خانواده نیست؛ بلکه شوهر باید دارای مردانگی و توانایی دفاع از کیان خانواده و تکیه‌گاه مطمئن برای زن باشد تا مدیریت خانواده به دست او داده شود. اگر مردی این صلابت و توانایی را نداشت یا به وظیفه‌اش عمل نکرد، او دیگر قِیم بر خانواده نخواهد بود و اگر هوش و ادراک و قدرت تدبیر زنی بیش از شوهرش بود و امور خانه با ثروت یا درآمد او اداره شد، دلیلی ندارد که مرد فرمانروای خانواده باشد. (همو، ۱۳۸۵: ۲۶۴/۱۱).

مرد رئیس خانواده، زن رئیس خانه

باید توجه داشت که سرپرستی و ریاست مرد در خانواده هیچ‌گاه نباید به معنای استبداد و زورگویی او منجر شود؛ چراکه سرپرستی مرد به منظور حمایت از سازمان خانواده و حفظ نظم و انضباط منزل است و این به معنای نادیده گرفتن مقام زن در خانواده و جامعه انسانی و ضایع کردن حقوق او نیست. (مطهری، مرتضی(بی‌تا): ۳۲۲). از این رو، اسلام ریاست داخلی خانه و خانه‌داری را به عهده زن گذاشته است، چنان‌که در این زمینه پیامبر اعظم فرمود: هر فردی از افراد بنی آدم رئیس است، مرد در امر خانواده و زن در امور خانه و خانه داری ریاست دارد(متقی هندی، ۲۲/۶:۱۴۰۹). بر همین پایه است که فاطمه زهرا علیهاالسلام از واگذاری کارهای داخل خانه توسط پیامبر(ص) به ایشان و کارهای بیرون منزل به علی به اندازه‌ای مسرور شد که فرمود: کسی جز خدا نمی‌داند که چقدر خوشنود شدم از اینکه پیامبر(ص) مسئولیت مردان را بر دوش من نهاد(مجلسی، ۸۱/۴۳:۱۴۰۴). (جوادی آملی، ۵۵۲/۱۸:۱۳۸۸).

دو. صیانت خانواده

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های مردان مراقبت ویژه از خانواده خویش است تا نافرمانی حق تعالی را نکنند و به عذاب الهی گرفتار نشوند. خدای سبحان می‌فرماید: يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَّ اَهْلِيْكُمْ تَارًا (تحریم/۶). بی‌گمان اگر مردی خود متخلق به آداب اسلامی و آراسته به تقوا نباشد، نمی‌تواند در این زمینه مراقب خوبی باشد و شاید به همین دلیل است که نخست می‌فرماید: قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَّ سِیِّمِیْهِمْ. همین مطلب در آیه دیگر نیز صادق است که می‌فرماید: وَ اَمْرٌ اَهْلُکَ بِالصَّلٰةِ وَ الصَّطٰیْرِ عَلَیْهَا (و خاندان خویش را به نماز فرمان ده و بر آن شکبیا باش(طه/۱۳۲)). قرآن کریم از این سنت حسنه در میان انبیای الهی: یاد می‌کند و درباره حضرت اسماعیل می‌فرماید: خاندان خود را پیوسته به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود(مریم/۵۵). این سیره حضرت اسماعیل(ع) در زندگی او را مورد رضایت و پسند خدای سبحان قرار داد. (جوادی آملی، ۳۶۸/۸:۱۳۸۶ و ۵۰۹ و ۴۵۵/۳:۱۳۸۷).

سه. تأمین معیشت خانواده

اسلام برای خانواده و بستگان از نظر مالی، حقوقی قرارداده که باید ادا شود؛ برای نمونه: تأمین نفقه پدر، مادر، فرزندان و همسر را به قدر کفایت اعم از خوراک، پوشاک و مسکن با شرایطی واجب دانسته و بر توسعه برای خانواده سفارش کرده است. از منظر شماری از روایات تأمین نفقه خانواده به عنوان نخستین چیز در ترازوی اعمال بنده(متقی هندی، ۲۷۶/۱۶:۱۴۰۹)، فضیلتی همانند جهاد(نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۵۵)، صدقه(کلینی، ۹۳/۵:۱۴۰۷)، برخورداری از عزت و جوانمردی(صدوق، ۱۴۰۴: ۱۶۶/۳ و ۱۹۲)، مایه بهترین شدن(همان: ۵۵۵)، کفاره گناهان و حجاب در برابر آتش جهنم(شعیری، ۱۳۶۳: ۹۱ و ۱۰۳)، معرفی شده است. (جوادی

ج. نقش مشترک زن و شوهر در نظام خانواده

زن و شوهر افزون بر ایفای وظایف اختصاصی در نظام خانواده، نقش آفرینی مشترکی را نیز برعهده دارند که آموزه های وحیانی در این زمینه، زیباترین نگاه ها را به انسان مؤمن در اصلاح و به پروری جامعه انسانی می دهد.

یک. فرزندآوری

خدای سبحان فرزنددار شدن را عمل صالحی می داند که والدین برای آخرت خود از پیش می فرستند: (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَتَى شَيْئٌمُ وَ قَدْ مُوا لَأَنْفُسِكُمْ) (بقره/۲۲۳). در سخنان و سیره بزرگان دین، نگرش مثبتی به فرزند وجود دارد و در روایات، از فرزند با تعابیری چون: میوه دل و نور دیده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۱/۲)، مایه سعادت (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۶)، برکت (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۲۷۴/۱۶)، حامی هنگام پیری (حر آملی، ۱۴۰۹: ۳۶۰/۲۱)، صدقه جاری و ماندگار (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۵) و... یاد شده است. اهمیت فرزندآوری در منابع دینی تا جایی است که ازدواج با زن نازیبا؛ ولی بارور بر ازدواج با زن زیبای نازا ترجیح دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۵). (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۵۹/۹).

دو. تعلیم و تربیت فرزندان

والدین باید بدانند که زحمات آن ها برای تربیت و بزرگ کردن فرزندان، دارای پاداش اخروی است و از این رو، فرزندان را باید با ارزش ها و الگوهای الهی تربیت کنند. از سنت های پسندیده حضرت ابراهیم خلیل (ع) این است که به فکر پرورش نسل شایسته بود و نه فقط صاحب فرزند شدن: (وَ اجْتَنِبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ تَعْبُدُوا الْأَصْنَامَ) رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دَرَجَتَيْنِ بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ دَرَجَتَيْنِ رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءَ) (ابراهیم/۳۵-۴۰).

دو مسئله مهم در دعای حضرت ابراهیم (ع) در حق فرزندانش بیان شده است؛ یکی این که از شرک و بت پرستی به دور باشند و دیگر این که از برپادارندگان نماز قرار بگیرند. حضرت زکریا ۷ نیز از خدای سبحان فرزند پاک درخواست می کند: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران/۳۸). بندگان صالح خدا هم به پیروی از پیامبران از خدای سبحان فرزند صالح و مایه چشم روشنی درخواست می کنند: وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (فرقان/۲۴). (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۶۹/۶ و ۱۳۸۶: ۶۵/۷).

در روایات اهل بیت (ع) برای فرزند، حقوقی را بر عهده والدین گذاشته است. رسول گرامی (ص) فرمود: حق فرزند بر پدر این است که مادرش را گرامی بدارد و نام نیکو بر وی نهد و اگر پسر باشد، قرآن به وی بیاموزد و او را پاک (ختنه) کند و اگر دختر باشد، سوره نور را به وی آموزش دهد و در ازدواج او شتاب کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹/۶). امام سجاد (ع) می فرماید: حق فرزندت این است که بدانی از توست و در این دنیا خوب و بدش به تو وابسته است (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲۲/۲). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

سه. گرامی داشت و مهرورزی با فرزندان

رفتار کریمانه و بزرگواری با فرزندان از عوامل مهم سلامت رفتاری است. رسول خدا (ص) فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲).

فرزندان از نظر عاطفی همواره به مهر و محبت والدین نیازمندند. رسول خدا (ص) فرمود: هرکس فرزندش را ببوسد، خدا برایش نیکی می نویسد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹/۶). نیز فرمود: فرزندان را بسیار ببوسید (نیشابوری: ۳۶۹). عبدالله بن مسعود گوید: نزد پیامبر B بودم، وقتی حسین بن علی C وارد شد، پیامبر (ص) وی را گرفت و بوسید و دهانش را بر دهان وی نهاد و فرمود: خدایا! من او را دوست می دارم، پس تو نیز دوست بدار او را و هر که وی را دوست می دارد (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۸۱). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۳، ۷۷، ۲۴۶ و ۲۵۰).

چهار. رعایت مساوات میان فرزندان

فرزندان انتظار دارند که پدر و مادر در زندگی با ایشان به عدالت رفتار کنند و از هرگونه تبعیض درباره آنان دوری کنند تا از آثار مخرب آن؛ مانند بدبینی، کینه و عقده نسبت به والدین در امان باشند. رسول خدا (ص) فرمود: عدالت را در میان فرزندان خود مراعات کنید، همان گونه که دوست دارید در نیکی و لطف به شما به عدالت رفتار کنند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۰). نیز آن حضرت

فرمود: بین فرزندان در هدایا به مساوات عمل کنید (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۶۴/۳). آن حضرت به مردی نگرست که دو فرزند داشت و فقط یکی از آن دو را بوسید. فرمود: چرا مساوات را میان آن دو رعایت نکردی؟ (کوفی، بی تا: ۵۵).

د. وظایف فرزند در نظام خانواده

یک. احسان به والدین

خدای سبحان پس از عبادت خویش، نیکی به والدین را به بندگان حکم کرده است: (وَقُضِيَ رِزْقُكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) (اسراء/۲۳). در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های برجسته پیامبران نیکی به پدر و مادر بیان شده است، چنان که درباره حضرت یحیی (ع) می‌فرماید: وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ (مریم/۱۴). خدای سبحان حتی از کمترین برخورد ناخوشایند فرزند با پدر و مادر نهی می‌فرماید: لَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ به آنان کلمه‌ای ناخوشایند مگو و به آنان پرخاشگری مکن و با ادب و احترام با آنان سخن بگو (اسراء/۲۳). (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۳۳/۷ و ۱۳۸۷: ۶۰۱/۱۴).

احسان به پدر و مادر از دستورات بین‌المللی اسلام به شمار می‌آید و در آن مسلمان بودن شرط نیست؛ یعنی اگر پدر و مادر غیر مسلمان هم باشند، احترام آن‌ها و تأمین نیازهایشان بر فرزند واجب است: وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (و در دنیا با آنان به نیکی معاشرت و همراهی کن (لقمان/۱۵)). (و أَحْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا) (و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آن دو بگستر و بگو: پروردگارا! بر آنان رحمت آور، چنان که مرا در کودکی پروردند (اسراء/۲۴)).

امام باقر (ع) فرمود: خدا در سه چیز برای هیچ‌کس رخصتی قرار نداده است: [یکی از آن‌ها] نیکی به والدین است؛ نیکوکار باشند یا بدکار (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۲). نیکی به والدین به دنیا منحصر نیست؛ بلکه شامل عالم برزخ نیز می‌شود. رسول خدا ۹ می‌فرماید: سرور نیکوکاران در قیامت مردی است که به والدین خود پس از مرگشان نیکی کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۶/۷۱). (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۵۳/۵).

دو. اطاعت از والدین

گستره حقوق پدر و مادر بر فرزندان قابل مقایسه با حقوق فرزندان بر پدر و مادر نیست؛ زیرا وقتی بحث از حقوق پدر و مادر می‌آید، بزرگان دین در احادیث نورانی چنین می‌فرمایند: [فرزند] در همه چیز جز در معصیت خدای سبحان، از پدر و مادر اطاعت کند (سید رضی، ۱۴۱۴: ۵۴۶). در اهمیت فرمانبری از والدین همین بس که رسول خدا (ص) فرمود: رضایت پروردگار در رضایت والدین و خشم پروردگار نیز در خشم والدین است (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷۴/۱۵).

سه. کمک به والدین در تأمین نیازها

یکی از جلوه‌های خدمت به پدر و مادر کمک مالی به آن‌هاست. قرآن کریم در مسئله انفاق، حق پدر و مادر را از حقوق دیگران بالاتر می‌داند و می‌فرماید: (قُلْ مَا أَتَقَرَّبُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ) (بگو: هر مالی انفاق کنید، برای پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک‌تر و یتیمان و بینوایان و در راه مانده است (بقره/۲۱۵)). (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۱۷/۱۰).

۲ - عفت و پاکدامنی

عامل مهم دیگری که موجب پایداری خانواده می‌شود، عفت و پاکدامنی است. عفت به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۸). امام علی (ع) می‌فرماید: عفت، پایداری در برابر شهوات است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۴). در روایات از حفظ عفت به عنوان یکی از بهترین عبادت‌ها یاد شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند برتر از پاکی شکم و عفت در امور جنسی نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۰/۲). (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۹۳/۱۲). عفت و پاکدامنی دارای آثار و فواید فراوانی است؛ از جمله: مصونیت همسر از ناپاکان (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۴/۵)، استحکام پیوند خانوادگی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۶) و جلب اعتماد همسر (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۲۹).

عوامل حفظ عفت

مهم‌ترین عواملی که برای تحصیل و حفظ ملکه عفت در آموزه‌های دینی بیان شده، بدین قرار است: یک. ایمان. مؤمنان؛ اعم از مردان و زنان، در قرآن و روایات به برخورداری از صفت پاکدامنی ستوده شده‌اند (مومنون/۱-۵؛ نور/۳۰ و ۳۱)؛ (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶: ۸۹). صفت ارزشمند عفت بر هر فرد مؤمنی زیبنده است؛ اما برای زنان زیبنده‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱۱) و از این‌رو، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا ۳ در پاسخ پرسش پدرش که فرمود: شایسته‌ترین زن نزد تو کیست؟ عرض کرد: کسی که مردان او را نبینند و او نیز مردان را نبیند. (همو، ۱۳۸۸: ۲۲۶/۱۸).

دو. تأمین مشروع نیازهای جنسی. کسی که در محیط خانه و از طریق مشروع به خواسته‌های جنسی خود پاسخ گوید، زمینه بی‌عفتی را کاهش داده و کمتر در لغزشگاه‌های جنسی می‌لغزد.

سه. آراستگی همسر. هرکس بر اساس فطرت خویش از آراستگی و زیبایی لذت برده و از زشتی، ژولیدگی و مراعات نکردن نظافت متنفر است و از این‌رو، در احادیث به مردان و زنان متأهل سفارش شده که با آراستگی خود موجبات پاک‌دامنی همسران را فراهم سازند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶/۶۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۶۷ و ۵۰۹).

چهار. حیا. انسان به همان میزان که از صفت پسندیده شرم و حیا بهره‌مند است، از کارهای زشت و نامشروع دوری می‌کند و حیا مایه پاک‌دامنی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۶).

پنج. غیرت. دست‌پرتوان آفرینش اسباب غیرت و جوانمردی را که مانع بی‌عفتی می‌شود، در وجود آدمی نهاده است. (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۷۷؛ همان، ۵۲۹). غیرت فقط این نیست که انسان به دستور) یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (دیگری را به حریم خود راه ندهد؛ بلکه افزون بر آن، به دستور) یَعْصُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نباید به حریم دیگری هم وارد شود. بنابراین، انسان با تحقق سه عنصر در وجودش صاحب غیرت است؛ کسی که خود را شناخت و از ورود به مرز دیگری خودداری کرد و اجازه نداد دیگری وارد مرز وی شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: جلسه دوم تفسیر سوره نور).

شش. حفظ حریم روابط جنسی در خانه. جلوگیری از آگاهی فرزندان نسبت به روابط جنسی پدر و مادر، مایه حفظ عفت در خانواده می‌شود. قرآن کریم درباره جزئیات بسیاری از احکام سخنی نگفته است؛ اما در مباحث مربوط به خانواده مسائل ریز را هم بیان کرده است. خدای سبحان به والدین می‌فرماید: فرزندان خردسال را که زشت و زبیا را تشخیص می‌دهند، طوری تربیت کنید که بدون اجازه وارد اتاق خصوصی شما نشوند و در سه وقت شبانه روز با اجازه قبلی وارد شوند (نور/۵۸).

کودکان قبل از رسیدن به سن بلوغ حتی در شیرخوارگی نباید با صحنه‌های جنسی برخورد کنند یا در برابر آن‌ها از این موضوع گفت‌وگو شود یا عکس یا صحنه تحریک‌کننده‌ای را ببینند؛ چون در آن صورت دچار بلوغ زودرس می‌شوند. از این‌رو، پیامبر(ص) می‌فرماید: مبادا زن و شوهر در حالی که کودکی در گهواره به آن‌ها می‌نگرد، آمیزش جنسی کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹/۱۰۰). (جوادی آملی، ۱۳۹۰: جلسه سی و پنجم تفسیر سوره نور).

۳ - گذشت

عامل مهم دیگر پایداری و تأمین سعادت خانواده، گذشت است. در صحنه زندگی مشترک، کمتر کسی را می‌توان یافت که از عیب، پاک بوده و از لغزش، مصون باشد. به طور طبیعی نمی‌توان انتظار داشت همه رفتارهای یک فرد درست و پسندیده باشد. اگر قرار باشد زن و شوهر از لغزش‌های همدیگر تلافی‌جویانه انتقام بگیرند، صحنه زندگی را جهنم سوزانی از خشم، کینه و نفرت فرا خواهد گرفت و اینجا جز مکارم اخلاقی و فضایل عالی انسانی همچون گذشت و تغافل چاره‌ساز نخواهد بود.

خدای سبحان کسانی را که از لغزش‌های دیگران می‌گذرند، ستوده و در وصف آن‌ها می‌فرماید: (وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (آل عمران/۱۳۴). رسول خدا(ص) می‌فرماید: آیا بهترین اخلاق دنیا و آخرت را به شما خبر ندهم؟ گذشتن از کسی که به تو ستم کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۷). امام علی ۷ می‌فرماید: کمی عفو و گذشت، زشت‌ترین عیب‌ها و شتاب در انتقام از بزرگ‌ترین گناهان است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۵). آن حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید: بدترین مردم کسی است که از لغزش نمی‌گذرد و عیب‌ها را نمی‌پوشاند (همان، ۲۴۵). (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۲۵۸).

زندگی توأم با اغماض و گذشت، مایه آرامش و آسایش روحی زن و شوهر و اهل خانه، زدودن کینه‌ها و تیرگی‌ها (ری شهری، ۱۴۱۶: ۳۶۷/۶)، عزت و احترام (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۸) و طول عمر (دیلمی، ۱۴۰۸: ۱۸۴) خواهد بود.

۴ - پیوند با خویشان

پایداری ازدواج در پرتو حرکت هر یک از اعضای خانواده در مسیر تربیت توحیدی است و صله رحم و پیوند با خویشان یکی از آموزه‌های مهم الهی است که در قرآن و سنت بر انجام آن تأکید فراوانی شده است. خدای سبحان در وصف خردمندان می‌فرماید: (وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) (رعد/۲۱). از امام صادق (ع) پرسیدند که خدا در این آیه به چه فرمان داده

است؟ فرمود: از جمله آن‌ها صله رحم است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۸).

منظور از ارحام و خویشان فقط نزدیکان نسبی نیستند؛ بلکه بستگان سببی را هم در برمی‌گیرد، چنان‌که این مطلب از خطبه عقدی که پیامبر اکرم ۹ در مراسم ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا ۸ و نیز حضرت جواد(ع) در مراسم ازدواجشان خواندند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۳/۵)، استفاده می‌شود: خداوند دامادی را نسب لاحق قرار داد (إربلی، ۱۳۸۱: ۱/۳۰۶). پس دامادی همانند نسب، محرمیت و رحمت را در پی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲/۵۵۹).

۵. پای‌بندی به اخلاق و حقوق

خانواده را اخلاق اداره می‌کند و حقوق برای شرایط غیر عادی است؛ زمانی که اوضاع دگرگون می‌شود و عشق، ایثار و فداکاری جای خود را به ناسازگاری و زیاده‌خواهی می‌دهد، در این صورت حقوق به کار می‌آید. از این رو، در منابع اسلامی آراستن به اخلاق حسنه عاملی بسیار موثر در استحکام بنیاد خانواده و زندگی مشترک شناسایی شده است. در روایتی شخصی به نام حسین بن بشّار می‌گوید: نامه‌ای به امام رضا ۷ نوشتم و در آن به حضرت عرض کردم که من قوم و خویشی دارم از من [دخترم را] خواستگاری کرده؛ ولی در او بدخویی است. حضرت فرمود: اگر بد اخلاق است، به او دختر نده (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۰۱). (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۰۵-۵۹).

یک. جلوه‌های اخلاق در خانواده

۱-هم‌نشینی و هم غذا شدن با خانواده

رسول خدا(ص) می‌فرماید: نشستن مرد در کنار خانواده‌اش نزد خدا دوست داشتنی‌تر از اعتکاف در این مسجد من(مسجدالنبی) است(ورام، بی‌تا: ۱۲۱/۲). آن حضرت در حدیث دیگری یکی از نشانه‌های تواضع را هم‌غذا شدن مرد با خانواده‌اش می‌داند و می‌فرماید: آیا شما را به پنج چیز آگاه نکنم که اگر در کسی باشد متکبر نیست؟ [یکی از آن‌ها] این است که مرد با خانواده‌اش غذا بخورد(نوری، ۱۴۰۸: ۳/۲۵۴ - ۲۵۵). امام صادق(ع) فرمود: شایسته نیست کسی غذایی را به خود اختصاص دهد و خانواده‌اش را در آن سهیم نسازد(قمی، ۱۴۰۴: ۱/۳۸۷). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

۲- تقدّم خانواده بر دیگران

در فرهنگ اسلامی اولویت خانواده یک اصل به شمار می‌آید. رسول خدا(ص) می‌فرماید: هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد. (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱/۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶/۳۶۲). نیز فرمود: از خانواده آغاز کنید و هر کسی که نزدیک‌تر است، مقدم بدارید(کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۶۷). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۶).

۳ - نیکی مرد به همسر

امام علی(ع) فرمود: به راستی زن ریحانه(شاخه گل) است و قهرمان نیست، پس در هر حال با وی مدارا کن و با او همراهی و رفتار نیکو داشته باش تا زندگی‌ات با صفا گردد(صدوق، ۱۴۰۴: ۴/۳۹۲).

امیرمومنان(ع) می‌فرماید: روزی رسول خدا بر ما وارد شد و فاطمه کنار دیگی نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم. فرمود: ای ابالحسن! گفتم: لبیک ای رسول خدا! فرمود: از من بشنو و من سخن نمی‌گویم، مگر از جانب پروردگارم؛ هیچ مردی نیست که همسرش را در خانه یاری دهد، مگر اینکه برای او عبادتی بسیار فراوان از روزه و شب‌زنده‌داری به شمار می‌آید و در پایان فرمود: ای علی! به عیال(همسر) خدمت نمی‌کند، مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته باشد(شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

در نقطه مقابل، روایات فراوانی از تباه کردن خانواده و بدرفتاری با همسر نهی کرده است. رسول خدا (ص) فرمود: از رحمت خدا بسیار دور است کسی که خانواده خود را تباه کند(کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۱۲). همچنین فرمود: برای هلاکت مرد همین بس که خانواده خود را تباه کند(تمیمی، ۱۴۱۹: ۲/۱۹۳). پیامبر در تشییع سعد بن معاذ با احترام ویژه حاضر شد؛ ولی پس از دفن او فرمود: عذاب قبری بر سعد اصابت کرد. سبب را پرسیدند. فرمود: آری، رفتار او با خانواده‌اش تند بود(صدوق، ۱۴۱۶: ۳۱۰).

در مذمت سخت‌گیری بر خانواده از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: بدترین مردم مردِ سختگیر بر خانواده است(سیوطی، ۱۴۰۱: ۲/۷۷). شخصی پرسید: ای رسول خدا! مراد از سخت‌گیری بر خانواده چیست؟ فرمود: مرد هرگاه وارد خانه شد، همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگیرزد و هرگاه از خانه بیرون رفت، همسرش بخندد(هیثمی، ۱۴۰۸: ۸/۲۵).

در روایات بسیاری به مردان سفارش شده که در برابر بداخلاقی همسران شکیبایی ورزند تا از پاداش بزرگی بهره‌مند شوند. رسول خدا (ص) فرمود: هر مردی به خاطر خدا بر بداخلاقی همسرش شکیبایی کند، خدا برای صبر وی در هر بار، پاداشی همانند پاداش صبر ایوب C در برابر بلاي او به وی می‌دهد (صدوق، ۱۳۶۴: ص ۲۸۷). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

۴ - نیکی به شوهر

انسان در رشد و تعالی خود نیازمند همسر است. از این‌رو، رسول خدا (ص) از اینکه زنان ازدواج را ترک و خود را از شوهران بی‌نیاز کنند، نهی فرموده است. زنانی که دشواری‌های ازدواج و زندگی مشترک را به سبب خودکفایی مالی یا هر دلیل دیگر تحمل نمی‌کنند، فضیلت‌های بزرگی را از دست می‌دهند که جبران‌پذیر نیست. زنی به امام صادق عرض کرد: من زنی از دنیا بریده هستم. آن امام همام فرمود: مراد تو چیست؟ گفت: ازدواج نمی‌کنم. امام صادق پرسید: چرا؟ گفت: می‌خواهم به فضیلتی برسم. امام فرمود: [از این مرام] باز گرد؛ اگر در ترک ازدواج فضیلتی بود، فاطمه به آن سزاوارتر از تو بود؛ زیرا هیچ‌کس از او در فضیلت پیشی نگرفت (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۹).

پیامبر (ص) فرمود: اگر می‌خواستیم به کسی دستور دهیم که برای دیگری سجده کند، به زن می‌گفتم که برای شوهرش سجده کند (همان، ۵۰۸). امام باقر فرمود: برای زن، شفیعی مؤثرتر از رضایت همسرش نیست. وقتی که حضرت فاطمه درگذشت، امیرمؤمنان بر سر تربت او گفت: خدایا! من از دختر پیامبرت راضی هستم (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۸۸).

رسول خدا می‌فرماید: زنی که شوهرش را بیازارد، مادامی که شوهرش را یاری و او را از خود راضی نکند، خدا نماز او و هیچ‌یک از کارهای نیکش را نمی‌پذیرد؛ گرچه آن زن همه روزگارش را روزه بگیرد و به عبادت بپردازد و بردگانی را آزاد سازد و اموالش را در راه خدا ببخشد و این زن [تا چنین باشد] نخستین کسی است که وارد آتش می‌شود. سپس افزود: همانند این کیفر برای شوهر هم هست، چنانچه همسرش را از روی ستم بیازارد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶۳/۷۳). همچنین آن حضرت فرمود: هر زنی همسرش را با گفتار خود بیازارد، خدا هیچ عملی را از او نمی‌پذیرد (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴/۴). (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶۸).

۵ - مشورت با اعضای خانواده

انسان خردمند عقل جمعی را پشتوانه‌ای محکم در تصمیم‌گیری خود می‌داند. پیامبر اکرم می‌فرماید: هیچ پشتوانه‌ای محکم‌تر از مشاوره نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰/۸). امام علی (ع) می‌فرماید: خردمند، خویش را از مشاوره بی‌نیاز نمی‌داند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۱). زن و شوهر نیز نباید خود را از مشورت یکدیگر بی‌نیاز ببینند. قرآن کریم به این موضوع به ویژه در مسائل مهم تربیت فرزندان تصریح کرده و می‌فرماید: فَلِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا (بقره/۲۳۳). منظور از «تشاور» در این آیه هم‌فکری و هم‌رأیی و مشاوره میان زن و شوهر است و بدون تردید، رضایت و رأی هر دو، برای صلاح حال فرزند شرط شده است؛ چون مادر چیزهایی از تربیت فرزند می‌داند که پدر نمی‌داند. در موارد دیگر نیز سزاوار است که شوهر از رأی و نظر همسر خویش بهره‌مند گردد؛ چراکه برخی زنان از بهره‌هوشی و خرد بالاتری برخوردار هستند. امام صادق ۷ می‌فرماید: چه بسا زنی [در دین] شناختی ژرف‌تر از مرد دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۶/۴). (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۷۶/۱۱).

۶ - احترام متقابل

دین و خرد به ما می‌آموزد که به دیگران احترام بگذاریم و حرمت یکدیگر را پاس بداریم. در امور خانوادگی نیز رعایت چنین اصلی ضروری است و هر یک از زن و مرد باید نهایت تمجید و احترام را نسبت به همسر خویش اعمال کنند و در هیچ شرایطی کمترین اهانتی به شریک زندگی خود نکنند. امام باقر (ص) به مردان چنین سفارش می‌فرماید: هرکس زن می‌گیرد، باید او را احترام کند (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۳). نیز امام صادق (ع) به زنان می‌فرماید: بسیار سعادتمند است بانویی که به همسرش احترام گزارد و او را نیازارد و در همه حال از او فرمان برد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۷۳). البته مرز اطاعت از شوهر تا زمانی است که خواسته‌های مرد از دایره شرع و حقوق خارج نباشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶۹). خلاصه این‌که، رفتار به‌هنجار و مؤدبانه زن و شوهر، الگوی فرزندان خانواده می‌گردد و افزون بر شیرینی زندگی، بهترین ارثی است که به فرزندان منتقل می‌شود و بدین‌سان این خصلت پسندیده در جامعه شاخ و برگ می‌گستراند.

دو. رعایت حقوق زن و شوهر

شرع مقدس برای استحکام حیات خانواده حقوق و وظایف مخصوصی را به نفع هر یک از اعضای آن وضع کرده تا مرز مسئولیت‌ها و انتظارات نسبت به یکدیگر معلوم گردد. قرآن کریم از آن حقوق با تعبیری جامع یاد کرده است: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ (و برای آن زنان [حقوقی] است مانند آنچه [از تکالیف] بر آن‌ها (مردان) است به شیوه نیکو و پسندیده).

(بقره/۲۲۸). معنای آیه این است که زن و شوهر آنچه را که مورد تأیید عقل و روایت است، رعایت کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۲/۱۱). در اینجا به برخی از آن حقوق اشاره می‌شود:

۱ - تأمین نفقه، حق زن بر شوهر

درباره زنان و حقوق آنان، اسلام در مقایسه با جاهلیت، دیدگاه جدیدی را ارائه کرده است. بدین سبب مردم از پیامبر درباره زنان، فراوان می‌پرسیدند تا آن‌که آیه نازل شد: (وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ) (و درباره زنان از تو فتوا می‌خواهند، بگو خدا درباره آنان به شما فتوا می‌دهد) (نساء/۱۲۷). (ر. ک. طباطبائی، ۱۴۰۳: ۹۸/۵).

یکی از شرایط و حقوق واجب بر مرد که توسط دین اسلام پایه‌ریزی شده است، پرداخت مهریه و حق نفقه زن؛ مانند تأمین خوراک، پوشاک و مسکن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۵۱/۱۷). خدای سبحان می‌فرماید: (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً) (مهر زنان را که هدیه‌ای است، به آنان بدهید) (نساء/۴).

البته این حقوق مادی نمایی ظاهری ساختمان خانواده را زیبا می‌کند؛ ولی پایه‌های آن به وسیله حقوق معنوی و اخلاق استحکام می‌یابد که آن محبت و مودت است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۰۶). مردی خدمت پیامبر رسید و با شگفتی پرسید: چگونه است که مردی با زنی ازدواج می‌کند که هرگز پیش از آن همدیگر را ندیده‌اند؛ اما همین که ازدواج صورت می‌گیرد و مرد بر زن وارد می‌شود، هیچ چیز برای آن‌ها دوست داشتنی‌تر از دیگری نیست؟ پیامبر (ص) در پاسخ او این آیه را قرائت فرمود: (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً) (بقره/۱۱۰؛ مزل/۲۰). از این رو، بالا بودن مهریه، مقدار جهیزیه و اموری همانند آن هرگز موجب دوام و پایداری خانواده نمی‌شوند و چه بسا تأثیر عکس داشته باشد، چنان‌که امام صادق (ع) فرمود: اما بدشگونی زن در بسیاری مهر اوست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۷/۵). (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۴/۱۸).

۲ - هم‌خوابی و فرمان‌بری، حق شوهر بر زن

شوهر حق دارد هر زمان که بخواهد از همسر خویش بهره‌برد. خدای سبحان می‌فرماید: نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَتَى شَيْئْتُمْ (همسرانتان کشتزار شمايند پس هرگاه خواستيد، به کشتزار خود در آييد) (نساء/۲۲۳). مگر آن‌که زن مانع شرعی؛ مانند حیض، احرام، اعتکاف، روزه یا وظیفه مهم‌تری داشته باشد. از جمله حقوق شوهر، اطاعت کردن زن از اوست؛ اما این اطاعت فقط در حد تکالیف مربوط به شوهرداری واجب است؛ از قبیل مسائل زناشویی، رفت و آمد زن و رفت و آمد دیگران به خانه. خدای سبحان می‌فرماید: فَإِنْ اطَعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا (پس اگر آنان از شما اطاعت کردند، راهی برای تعدی و آزارشان مجوید) (نساء/۳۴). (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۵۶/۱۸).

نتیجه‌گیری

خانواده و پایداری آن به عنوان یکی از شاخص‌های تعالی جامعه همواره کانون توجه اندیشمندان و عالمان بوده است و از این رو، اهمیت این موضوع در بسیاری از آثار آیت الله العظمی جوادی آملی کاملاً مشاهده می‌شود. در مقاله حاضر مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل پایداری خانواده از دیدگاه معظم‌له به گونه فشرده تبیین شد و این نتایج به دست آمد:

۱ - شناخت جایگاه زن و مرد در نظام هستی باید به عنوان زمینه مهم پایداری خانواده مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه اسلام زن و مرد را در فضیلت انسانی برابر می‌داند که دو صنف از یک حقیقت هستند، نه دو نوع با حقیقت مستقل؛ آن‌گونه که غربی‌ها و دیگران می‌پندارند.

۲ - ملاک اصلی انتخاب همسر در آموزه‌های وحیانی، ایمان، تقوا، اصالت و نجابت است، نه امور مادی و دنیوی.

۳ - زن و مرد باید از روی اختیار و با توجه به علایق و رغبت‌های خویش دست به انتخاب همسر زده و از پذیرش همسر تحمیلی پرهیز کنند.

۴ - اسلام در انتخاب همسر بیشتر به هم‌سانی و هم‌سویی در ارزش‌های معنوی تأکید می‌ورزد.

۵ - در نظام خانواده اسلامی نقش ویژه زن بر انجام رسالت همسری و مادری، و نقش ویژه مرد بر مدیریت خانواده، صیانت از آن و تأمین هزینه‌های زندگی، متمرکز است. فرزندآوری، تعلیم و تربیت فرزندان، مهرورزی با آنان و رعایت مساوات میان آن‌ها، مهم‌ترین وظیفه مشترک زن و شوهر به شمار می‌رود. احسان به والدین، اطاعت از آنان و یاری پدر و مادر در تأمین نیازهای

زندگی از وظایف فرزندان یاد شده است.

۶ - برای عفت و پاکدامنی همسر به عنوان یکی از بهترین عبادت‌ها آثار مهمی؛ از جمله: مصونیت همسر از ناپاکان، استحکام پیوند خانوادگی و جلب اعتماد همسر بیان شده است. در روایات، عناصری مانند: ایمان، تأمین مشروع نیازهای جنسی، آراستگی همسر، حیا، غیرت و حفظ حریم روابط جنسی در خانه، به عنوان عوامل مؤثر در حفظ عفت مورد تأکید قرار گرفته است.

۷ - در صحنه زندگی مشترک، اقدام تلافی‌جویانه و انتقام در برابر لغزش‌ها با پایداری خانواده سازگار نیست؛ بلکه در این باره جز رعایت مکارم اخلاقی و فضایل عالی انسانی همچون گذشت و تغافل چاره‌ساز نخواهد بود.

۸ - صله رحم و ارتباط با خویشان یکی دیگر از عوامل مهم پایداری خانواده است که در قرآن و سنت به عنوان اوصاف خردمندان بر انجام آن تأکید فراوانی شده است و گستره آن همه بستگان نسبی و سببی را شامل می‌شود.

۹ - آموزه‌های وحیانی عامل مؤثر در استحکام بنیاد خانواده را، پایبندی و آراستن به اخلاق حسنه معرفی کرده است و بز این باور است که خانواده را اخلاق اداره می‌کند و حقوق برای شرایط غیر عادی است. در متن مقاله به برخی از جلوه‌های اخلاق نیک و حقوق زن و شوهر اشاره شده است.